

Preventive Police Actions in the Protection of Children and Adolescents under the 2019 Law

 **Yasaman Khaje Nouri**

Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
yas_kh2009@yahoo.com

 **Amir Hassan Niazpour**

Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) a_niazpour@sbu.ac.ir



Abstract

Children and juveniles require continual protection due to their special circumstances, especially those who are in high-risk situations. The protection of children and adolescents in Iranian criminal policy began in the early 2000s, but the Protection of Children and Adolescents Act introduced a different approach to this protection. Various duties and powers have been assigned to different institutions, particularly in the field of preventing victimization. In recent Iranian criminal policy, the strategies outlined in the Child and Adolescent Protection Law of 2019 have become more nuanced.

**Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology**

**Iranian Law and Legal Research
Institute**

**Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)**

www.jclrc.illrc.ac.ir

**DOI:
[10.22034/jclrc.2025.2048674.1132](https://doi.org/10.22034/jclrc.2025.2048674.1132)**

This law designates specific duties and authorities to various institutions, especially concerning the prevention of child and adolescent victimization. Notably, the Act assigns preventive duties to the police to protect children and teenagers. These duties are based on the principles of developmental prevention, focusing on addressing gaps in the socialization process of children and adolescents, and are rooted in their rights to physical health and development. Acquainting the police with these tasks and related powers can play a crucial role in preventing injuries, delinquency, and harm to children and juveniles in high-risk situations. This article examines the subjects (a), principles (b), and types (c) of preventive police actions as stipulated in the "Children and Adolescents Protection Law" of 2019 to identify its foundations and aspects.

Keywords: Children and Juveniles, High-risk Situations, Developmental Prevention, Delinquency, Victimization.



کنشگری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» ۱۳۹۹

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی،
تهران، ایران
yas_kh2009@yahoo.com

یاسمن خواجه نوری



دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده
مسئول)
a_niazpour@sbu.ac.ir

امیرحسین نیازپور



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2025.2048674.1132](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2048674.1132)

چکیده

اطفال و نوجوانان باتوجه به وضعیت ویژه ای که دارند، همواره باید حمایت شوند؛ خصوصاً آنان که در شرایط خطر قرار دارند. حمایت از اطفال و نوجوانان در سیاست جنایی ایران از دهه ۱۳۸۰ آغاز شده است. اما، در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ جنبه افتراقی یافته است. علاوه براین، برای نهادهای متعددی وظیفه ها و اختیاراتی گونه‌گون به ویژه در زمینه پیشگیری از بزه‌دیدگی شناسایی شده است. در قلمرو سیاست جنایی ایران از رهگذر قانون مذکور و آیین نامه مربوط به آن اصولی پیش بینی شده است که رعایت آن به اثربخش شدن کنشگری های این نهاد در این زمینه می انجامد. پلیس در قانون مذکور برای حمایت از اطفال و نوجوانان دارای تکلیف های پیشگیرانه شده است.

این وظیفه ها در یافته های پیشگیری رشدمدارانه و حق بر سلامت جسم و رشد آنان بنیان دارد. آشنا ساختن پلیس با این تکلیف ها و اختیارهای مربوط به آن می تواند در پیشگیری از بزه‌دیدی و بزهکاری و زدایش آسیب نسبت به اطفال و نوجوانان برخوردار از وضعیت پرخطر نقش داشته باشد. در این نوشتار، موضوع (الف)، اصول (ب) و گونه‌های (پ) کنشگری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» ۱۳۹۹ برای شناسایی بنیان‌ها و جنبه‌های آن بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اطفال و نوجوانان، وضعیت پرخطر، پیشگیری رشدمدارانه، بزهکاری، بزه‌دیدی.



مقدمه

نهادهای متعددی در جامعه برای مهار پدیده مجرمانه نقش ایفا می‌کنند. پلیس از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. زیرا، نهاد مذکور بر اساس هنجارهای پیش‌بینی‌شده خصوصاً بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹ در سرتاسر فرایند مهار پدیده مجرمانه دارای تکلیف گردیده است. از این رو، پلیس باید در مرحله‌های پیش و پس از ارتکاب پدیده مجرمانه در راستای کاهش آن گام بردارد. به این‌سان، پیشگیری از جرم که دربرگیرنده مجموعه‌ای از اقدام‌های ناکیفری است و پیش از روی دادن بزهکاری، برای تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های جرم‌زا و ارتکاب نیافتن رفتار مجرمانه به کار گرفته می‌شود و هم‌چنین، مقابله کیفری که ناظر به کشف جرم، شناسایی و گردآوری دلایل مربوط به جرم و مرتکبان بزهکاری، تحقیقات مقدماتی و یاری رساندن به بزه دیدگان است^۱، در شمار تکلیف‌های این نهاد گنجانده شده است. در همین چارچوب، قانون‌گذار با رویکردی افتراقی از رهگذر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان^۲ ۱۳۹۹ پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری این دسته را به پلیس واگذار کرده است.

پیشگیری از جرم که اصولاً به پدید نیامدن بزهکاری و بزه‌دیدگی می‌انجامد، دارای دو گونه فرم‌مدارانه و موقعیت‌مدارانه است. (Ceccato and Abraham, 2022, 95) نوع نخست،

^۱گفتنی است که، برابر ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط دادگستری باید «... تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به‌موجب قانون اقدام ...» نماید.

^۲به موجب بندهای الف و ب ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، طفل آن است «... که به سن بلوغ شرعی نرسیده ...» باشد و نوجوان نیز «هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است» را در بر می‌گیرد.

دربرگیرنده مجموعه‌ای از اقدام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناسانه است، که در فرایند رشد و برای جامعه‌پذیر ساختن افراد و گرایش نیافتن آنان به سمت بزهکاری به کار گرفته می‌شوند. این گونه با تکیه بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت افراد و با استفاده از دو دسته اقدام‌های روان و محیط‌مدارانه به هنجارمند شدن و بزهکارناشدن افراد توجه می‌کند. (نیازپور، ۱۴۰۲، ۱۰۰) پیشگیری مذکور دارای دو نوع جامعه‌مدارانه و رشد‌مدارانه است. اگرچه؛ هر دو گونه به پروراندن درست شخصیت و هنجارمند کردن افراد توجه دارند. اما، پیشگیری جامعه‌مدارانه ناظر به همه افراد است و پیشگیری رشد‌مدارانه، صرفاً اطفال و نوجوانان مشکل‌دار را دربرمی‌گیرد. بنابراین، پیشگیری رشد‌مدارانه از رهگذر مجموعه‌ای از اقدام‌های روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه زودرس نسبت به آن دسته از اطفال و نوجوانان که با چالش روبه‌رو هستند، برای زدایش خلاءهای فریند رشد و جامعه‌پذیری آنان به کار گرفته می‌شود. در این گونه انگاره این است که بودن مشکل در فرایند هنجارمند شدن افراد و حمایت نکردن از آنان، اسباب مزمن شدن بزهکاری در این دسته را فراهم می‌آورد. از این دریچه، بزهکاران مزمن امروز همانا اطفال و نوجوانان مشکل‌دار دیروز هستند. (Welsh and Farington, 2012, 34) در پهنه پیشگیری رشد‌مدارانه، مشکل‌های پیش روی اطفال و نوجوانان که می‌تواند به مزمن شدن بزهکاری در آنان بینجامد، گونه‌گون‌اند. شماری از آن‌ها جنبه فرد‌مدارانه دارند و به خصیصه‌های این دسته به‌ویژه از لحاظ روانی مانند پرخاشگری، بیش‌فعال بودن، افسردگی و اعتیاد، تجربه بزهکاری و بزه‌دیدگی در این دوره مرتبطند. اما، دسته دیگر جنبه محیط‌مدارانه دارند. فروپاشیده شدن خانواده، نبود الگوی مناسب آموزشی و پرورشی در مدرسه، نامناسب بودن محیط دوستان و همسالان از آن‌ها به شمار می‌روند. به‌این‌سان، پیشگیری رشد‌مدارانه با تکیه بر حمایت از این دسته از اطفال و نوجوانان در گام نخست، در راستای

شناسایی مشکل‌های آنان در دوران رشد و سپس، نسبت به شناسایی روش‌های حمایت-مدارانه مناسب گام برمی‌دارد. (کاری یو، ۱۳۸۱، ۲۷۴) علاوه بر این، گونه دیگر پیشگیری موقعیت‌مدارانه است که با هدف قرار دادن وضعیت‌های پیش‌جنایی به مدیریت آن و زدایش یا کاهش فرصت‌های جرم‌زا مبادرت می‌ورزد. در قلمرو این پیشگیری، انگاره این است که از سوی شخص انگیزه‌مند در صورت بودن آماج مناسب و نبود مانع بزهکاری رخ می‌دهد. بنابراین، بدون توجه به انگیزه اشخاص و صرفاً با مدیریت آماج و شرایط پیش از ارتکاب بزهکاری باید از روی دادن آن پیشگیری کرد. (صفاری، ۱۳۸۰، ۲۹۱)

در نظام پیشگیری برای مهار اثربخش پدیده مجرمانه، اصول، الگوها و رویکردهای متعددی شناسایی شده است. افتراقی‌سازی پیشگیری از جرم، از جمله آنهاست که بر اساس معیارهای گونه‌گون مورد توجه قرار می‌گیرد. در پرتو این راهبرد، اصولاً با توجه به خصیصه‌های رفتارهای مجرمانه و بزه‌کاران و بزه‌دیدگان باید به پیش‌بینی کنش‌های کاهنده جرم مبادرت ورزیده شود. به موجب این راهبرد برای پیشگیری از شماری جرم‌ها و یا کاهش احتمال شکل‌گیری شخصیت‌های مجرمانه و پایداری دسته‌ای در پهنه بزهکاری باید افزون بر به‌کارگیری روش‌های فراگیر پیشگیرانه در راستای بهره‌گیری از آموزه‌ها و نیز رویکردها و سیاست‌های خاص گام برداشت. در این میان، اطفال و نوجوانان از معیارهای افتراقی‌سازی سیاست‌های پیشگیرانه به‌شمار می‌روند. این دسته با برخورداری از شرایط ویژه جسمانی و روانی عاطفی و قرار داشتن در فرایند رشد و فراگیری هنجارهای اجتماعی نیازمند کنشگری‌های متفاوت و در تناسب با این وضعیت می-باشند.^۱

^۱. گفتنی است که، افتراقی‌سازی پیشگیری از جرم همانا دربرگیرنده مجموعه‌ای از اقدام‌های ناکیفی است که با توجه به خصیصه‌های رفتارهای مجرمانه و وضعیت دسته‌ای از بزه‌کاران یا بزه‌دیدگان پیش‌بینی و اجراء می‌شود.

در این قانون، با رویکردی حمایت‌گرایانه به سیاست‌گذاری برای آن دسته از اطفال و نوجوانان که در یک سوی پدیده مجرمانه و یا در آستانه بزهکاری و بزه‌دیدگی قرار دارند، مبادرت ورزیده شده است. برجسته‌ترین آن حمایت پیشگیرانه از اطفال و نوجوانان می‌باشد. برای انجام اقدام‌های مربوط به آن نهادهای متعددی مسئولیت یافته‌اند. در این میان، پلیس از جمله نهادهاست که قانون‌گذار تکلیف‌های پیشگیرانه پرتعدادی را بر عهده آن گذارده است. بر اساس بند ب ماده ۶ قانون مذکور و هم‌چنین، شماری از بندهای ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی این ماده حمایت پیشگیرانه پلیس از اطفال و نوجوانان باید براساس سلسله‌ای اصول و سپری شدن مرحله‌ها باشد. در این نوشتار، موضوع (الف)، اصول (ب) گونه‌ها و (پ) کنشگری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» ۱۳۹۹ برای شناسایی بنیان‌ها و جنبه‌های آن بررسی می‌شود.

الف) موضوع کنشگری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»
سیاست‌گذاران جنایی با رویکردی افتراقی و برای حمایت همه‌جانبه از دسته‌ای از اطفال و نوجوانان، قانون مذکور را تدوین و تصویب کرده‌اند. در این قانون، برای پلیس مانند شماری از نهادهای اجرایی و قضایی، وظیفه‌های متعددی در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است. با توجه به رویکرد این قانون اگرچه؛ همه اطفال و نوجوانان می‌توانند از سازوکارهای حمایت‌گرایانه بهره‌مند شوند، اما به‌کارگیری اقدام‌ها و شروع کنشگری نهادهای تکلیف‌دار از جمله پلیس صرفاً ناظر به دسته‌ای خاص از آنان است. علاوه بر این، شناسایی و اجرای شیوه‌های حمایت‌گرایانه باید بر اساس اصولی صورت پذیرد تا از رهگذر رعایت آنها اسباب اثربخش شدن اقدام‌ها و تضمین حق‌ها و آزادیهای بنیادین افراد فراهم شود.

۱. وضعیت‌های موضوع کنشگری پیشگیرانه پلیس

نهاد مذکور باید برای اطفال و نوجوانان برنامه‌ریزی و کنشگری پیشگیرانه کند. این نهاد برابر بندهای الف و ب ماده ۱ قانون پیش‌گفته، از وظیفه‌ای فراگیر در زمینه بررسی وضعیت تمام اطفال و نوجوانان برخوردار می‌باشد. با وجود این، کنشگری خاص نهاد مذکور به پیدایش وضعیت ویژه‌ای برای شماری از آنان وابسته است. این وضعیت، بر اساس ماده ۳ قانون مذکور «... وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانون از طفل و نوجوان می‌شود...». در واقع، دربرگیرنده آن دسته از موقعیت‌هاست که از رهگذر آن «... به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی...» اطفال و نوجوانان آسیب وارد شده یا این که کمینه آنان را در آستانه بزه‌دیدگی قرار می‌دهد. وضعیت‌های مذکور دارای جلوه‌های متعددی‌اند که در دسته «وضعیت‌های مجرمانه» و «وضعیت‌های نامجرمانه» جای می‌گیرند.

۱-۱. وضعیت‌های مجرمانه

این وضعیت‌ها، همانا اطفال و نوجوانان را با بزهکاری و بزه‌دیدگی روبه‌رو می‌سازند. این دسته از رهگذر بزه‌دیدگی، گرویدن به‌سوی بزهکاری و برخورداری از پدر و مادر، ناقض هنجارهای کیفری در این دوره از زندگی، به‌جای رشد و جامعه‌پذیری، با بزه‌دیدگی و بزهکاری که پدیده‌های برآمده از نادیده انگاشتن بایدها و نبایدهای کیفری‌اند، آشنا می‌شوند. (گراهام، ۱۳۸۳، ۳۱۲) طبیعتاً؛ این وضعیت، آنان را در شرایط ناگواری قرار می‌دهد و برای قانون و هنجارپذیرشدن این دسته چالش می‌آفریند.

بر اساس ماده مذکور این وضعیت‌ها را می‌توان در دو دسته وضعیت مجرمانه اطفال و نوجوانان و وضعیت مجرمانه پدر و مادر اطفال و نوجوانان قرار دارد. در شکل یکم، وضعیت از رهگذر بزهکار و یا بزه‌دیده شدن این افراد پدید می‌آید. شماری از اطفال و نوجوانان با

بزه‌کار و بزه‌دیده شدن در شرایط ویژه‌ای که به سلامت جسمانی و روانی و اجتماعی آنان آسیب وارد می‌سازد، جای می‌گیرند. بزه‌کار و بزه‌دیده شدن در این دوران، فرایند رشد و جامعه‌پذیری این افراد را به چالش می‌کشد. بر همین اساس، قانون‌گذار آن را در شمار «وضعیت مخاطره‌آمیز» گنجانده است. «بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل»، «نقض قوانین جزایی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه، وارد شدن یا وارد کردن طفل و نوجوان در فعالیتهایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و هم‌چنین، اعتیاد آنان به موادمخدر، روان‌گردان یا مشروبات الکلی» و «سوءرفتار نسبت به طفل و نوجوان و بهره‌کشی از او»، از جلوه‌های وضعیت‌های مجرمانه هستند که این دسته را دچار آسیب می‌کنند.

در شکل دوم، وضعیت از رهگذر بزه‌کار بودن پدر، مادر و دیگر سرپرستان این دسته پدید می‌آید. در چارچوب ماده مذکور، «زندانی شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی»، «ابتلاء هریک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر موادمخدر و روان‌گردان یا قمار»، «قوادی و دایر کردن یا اداره کردن مراکز فساد و فحشاء توسط هریک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتغال آن‌ها به فساد اخلاق و فحشاء» و «خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر»، در شمار «وضعیت مخاطره‌آمیز» قرار گرفته است. به این‌سان، دسته‌ای از این وضعیت‌ها با نقض ضوابط کیفری، چه از سوی اطفال و نوجوانان و چه از سوی پدر، مادر و دیگر سرپرستان آنان و هم‌چنین، با بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان پدید می‌آیند.^۱

^۱ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نجفی ابرندآبادی، علی حسین (زیرنظر). (۱۳۹۳). دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، نشر میزان، چاپ نخست.

۱-۲. وضعیت‌های نامجرمانه

سلسله‌ای از شرایط بدون آن که عنوان مجرمانه‌ای داشته باشند، سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی اطفال و نوجوانان و چگونگی هنجارمند شدن آنان را دچار چالش می‌کنند. (BeelMann, 2006, 604) قانون‌گذار بر اساس ماده ۳ این شرایط را نیز در شمار «وضعیت مخاطره‌آمیز» گنجانده است. دسته‌ای از این وضعیت‌ها به خصیصه‌های فردی و شماری دیگر، به شرایط محیطی این دسته مرتبط‌اند. «کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل یا نوجوان، ابتلاء وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی» از ویژگی‌های فردی آنان است که قاعدتاً در فرایند جامعه‌پذیری، اطفال و نوجوانان چالش می‌آفرینند. علاوه بر این، تعدادی از خصیصه‌های محیطی نیز برای این دسته و چگونگی سپری شدن فرایند تربیت و حفظ سلامت جسمانی آنان خطرزا می‌باشند. «هرگونه وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یابی تابعیتی»، از جمله وضعیت‌های خطرآفرینند که با توجه به شرایط خانوادگی اطفال و نوجوانان پدید می‌آیند.

این وضعیت‌ها چه مجرمانه و چه نامجرمانه، از رهگذر ماده ۳، در شمار «وضعیت مخاطره‌آمیز» قرار گرفته‌اند و با پیدایش هریک از آن‌ها شرایط تربیت و روانی و نیز سلامت جسمانی اطفال و نوجوانان با خطر روبه‌رو می‌شود. قانون‌گذار برابر ماده مذکور شکل گرفتن این وضعیت‌ها را «... موجب مداخله و حمایت قانونی از ...» این دسته پنداشته است. این مداخله حمایت‌گرایانه باید از سوی نهادهای متعددی صورت گیرد. برابر بند ۱۳ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۴۰۰، «کلیه دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی ...» از نهادهای حمایتی‌ای هستند که باید بر اساس هنجارهای پیش‌بینی‌شده در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان برخوردار از «وضعیت مخاطره‌آمیز» گام بردارند. در این میان، پلیس به‌موجب بند ۶ ماده ۶ قانون مذکور و هم‌چنین، بر پایه ماده ۲۸ آیین‌نامه پیش‌گفته، تکلیف یافته است تا نسبت به شناسایی و

تأمین امنیت اطفال و نوجوانان روبه‌روشونده با وضعیت‌های خطرزا و نیز گزارش بزه‌دیدگی آنان به نهادهای قضایی اقدام کنند. نهاد مذکور باید دو دسته حمایت پیشگیرانه و کیفری را به‌کار گیرد تا از وارد شدن آسیب‌های جسمانی، روانی و اجتماعی به این دسته پیشگیری شود.

۲. اشخاص موضوع کنش‌گری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»

در چارچوب قانون مذکور اطفال و نوجوانان موضوع حمایت از رهگذر ماده ۳ شناسایی شده است.^۱ به‌موجب آن «... در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود ...» به‌این‌سان، اطفال و نوجوانان برخوردار از وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع این قانون بوده و نهادهای مسئولیت‌دار از جمله پلیس باید اقدام‌های لازم را نسبت به آن‌ها به‌کار گیرند. اطفال و نوجوانان موضوع قانون پیش‌گفته را می‌توان در دو دسته جای داد.

۱-۲. اطفال و نوجوانان آشناشده با پدیده مجرمانه

بر اساس یافته‌های جرم‌شناسانه ارتکاب بزهکاری و بزه‌دیدگی از سوی اطفال و نوجوانان چالش گسترده‌ای در فرایند رشد این دسته ایجاد می‌کند. گرویدن آنان به سمت بزهکاری، نمادی از نادیده انگاشتن هنجارهای کیفری است و صدمه‌های برآمده از بزه

^۱گفتنی است که، برابر بندهای الف و ب ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹، این دسته مجموعاً اشخاص زیر هجده سال هستند.

دیدگی خصوصاً آسیب‌های روانی فراگیری ارزش‌ها و نوع رویکرد آنان به جامعه، زمینه‌های اختلال در فرایند جامعه‌پذیری این دسته را فراهم می‌آورد. بر همین اساس، قانون‌گذار این دو وضعیت را «مخاطره‌آمیز» و واردکننده آسیب به سلامت جسمانی روانی، اجتماعی و اخلاقی و نیز امنیتی و آموزشی به شمار آورده است. به موجب بندهای الف، چ، ح، خ و ژ و هم‌چنین، بند ذ ماده ۳، وضعیت‌های پرخطری هستند که از رهگذر آن‌ها، اطفال و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده می‌شوند. به‌این‌سان، «بی‌توجهی و سهل‌انگاری پدر و مادر و سرپرست‌های قانونی، بازماندن اطفال و نوجوانان از تحصیل، وارد ساختن آنان در فعالیت‌های مجرمانه و یا ارتکاب جرم از سوی این دسته» نمونه‌های برجسته‌ای از وضعیت‌های مذکورند که از یک سو اطفال و نوجوانان را دچار بزه‌دیدگی و بزهکاری می‌کنند و از سوی دیگر، فرایند جامعه‌پذیری آنان را به چالش می‌کشند. بنابراین، پلیس آن‌گاه که با این دسته روبه‌رو می‌شود، افزون بر انجام کنش‌گری‌های متعارف نسبت به آنان باید در راستای حمایت از این دسته گام بردارد. (عباسی و دیگران، ۱۴۰۰، ۲۸۰)

۲-۲. اطفال و نوجوانان ناآشنا با پدیده مجرمانه

علاوه بر تجربه بزهکاری و بزه‌دیدگی سلسله‌ای شرایط دیگر نیز هستند که شکل‌گیری نظام رفتاری اطفال و نوجوانان را با مشکل‌های متعددی روبه‌رو می‌سازند. (صبوری‌پور و حق‌بین، ۱۴۰۲، ۵۲۱) زیرا، این وضعیت‌ها آنان را در آستانه بزه‌دیدگی و بزهکاری و حتی آسیب دیدن قرار می‌دهند. از این رو، پلیس بر اساس مواد ۳۳ و ۳۴ قانون مذکور تکلیف یافته است تا نسبت به اطفال و نوجوانان ناآشنا با جرم حمایت‌های لازم را به کار گیرد. «وضعیت‌های مخاطره‌آمیز» که جنبه مجرمانه ندارند، با توجه به ماده ۳ دارای جلوه‌های متعددی هستند که می‌توانند بر اساس خصیصه‌های محیط خانواده، شرایط آموزشی و ویژگی‌های فردی دسته‌بندی شوند. به‌موجب این ماده در محیط خانواده بودن دسته‌ای

شرایط چه‌بسا فرایند رشد و جامعه‌پذیری آنان را با چالش همراه سازد. «بی‌سرپرستی طفل و نوجوان ...»، «ابتلاء هریک از والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیردار ...» و «خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر» از جمله وضعیت‌های خانوادگی هستند که پلیس در صورت شناسایی آن‌ها باید نسبت به این دسته که با بزه‌کاری و بزه‌دیدگی آشنا نشده‌اند، حمایت‌های لازم را انجام دهد. افزون بر این، شرایط ناگوار اطفال و نوجوانان در زمینه تحصیل نیز از وضعیت‌های نامجرمانه خطرزا می‌باشند که از رهگذر ماده ۳ برانگیزاننده «مداخله و حمایت قانونی» از این دسته هستند. «بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل»، «فرار از مدرسه و ترک تحصیل» پس از تأثیرگذاری خانواده حمایت از آنان را الزامی می‌کند.

هم‌چنین، قانون‌گذار شماری از خصیصه‌های فردی اطفال و نوجوانان را به‌عنوان «وضعیت‌های مخاطره‌آمیز» شناسایی نموده است. «اعتیاد به مواد مخدر، روان‌گردان»، «کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلاء وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی» از جلوه‌های این نوع وضعیتند که فرایند شکل‌گیری درست شخصیت این دسته را با چالش روبه‌رو نموده و ضرورت به‌کارگیری اقدام‌های حمایت‌گرایانه را فراهم می‌آورد. به این ترتیب، پلیس آن‌گاه که هر یک از این وضعیت‌ها، چه مجرمانه و چه نامجرمانه پدید آید، باید از جان و فرایند تربیت‌شدن این دسته به شکل شایسته‌ای حمایت کند.

ب) اصول کنش‌گری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»

پیشگیری از جرم، فرایندی نظام‌یافته است که برای افزایش احتمال اثربخش شدن آن باید مرحله‌بندی شده و با رعایت و تضمین اصول ناظر به چگونگی حمایت از اطفال و نوجوانان

برخوردار از «وضعیت مخاطره‌آمیز» پیش رود.^۱ این اصول از رهگذر ماده ۲ آیین‌نامه مذکور برای رسیدن به هدف‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان شناسایی گردیده و رعایت و تضمین آن کاملاً الزمی است. اصول پیش‌بینی شده که از سوی پلیس نیز باید به کار گرفته شود، در دو دسته «اصول حقوق بشرمدارانه» و «اصول جرم‌شناسانه» جای می‌گیرند.^۲

۱. اصول حقوق بشرمدارانه کنش‌گری پیشگیرانه پلیس

حقوق بشر دربرگیرنده مجموعه‌ای از حق‌هاست که انسان‌ها به جهت برخورداری از هستار انسان‌مدارانه از آن بهره‌مندند. برابری، آزادی، صلح، عدالت و کرامت انسانی، مؤلفه‌های بنیادین حقوق بشرند که باید در تمام عرصه‌ها مورد توجه قرار گیرند. (نوبهار، ۱۴۰۱، ۲۰) بر همین اساس، سیاست‌گذاری در زمینه پیشگیری از بزه‌دیدگی و یا بزه‌کاری اطفال و نوجوانان باید بر اساس این مؤلفه‌ها صورت پذیرد. در چارچوب ماده ۲ آیین‌نامه مذکور، سلسله‌ای از اصول شناسایی شده‌اند، که توجه به آن در فرایند حمایت از «... اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا بزه‌دیده الزامی است.» پلیس نیز در شمار نهادهای تکلیف‌دار در این زمینه جای گرفته است و باید به هنگام پیش‌بینی برنامه و اقدام برای حمایت از این دسته اصول حقوق بشرمدارانه را رعایت و تضمین کند.

یکمین اصل همانا تضمین کرامت اطفال و نوجوانان است، که باید مبنای سیاست‌گذاری و اقدام پلیس قرار گیرد. برابر این اصل، همه انسان‌ها دارای جایگاهی والا و ارجمند

^۱ افزودنی است که، در سند ملی حقوق کودک و نوجوان ۱۳۹۷ به‌موجب ماده ۵ به حق با خانواده بودن این دسته اشاره گردیده است و این که صرفاً دادگاه‌ها برای رعایت مصلحت آنان می‌توانند نسبت به جدا ساختن کودکان و نوجوانان از خانواده تصمیم‌گیری کنند.

^۲ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: پاک‌نیت، مصطفی، (۱۳۹۶). افتراقی‌سازی دادرسی کیفری، نشر میزان، چاپ نخست.

هستند و تمام نهادها باید به آن به هنگام سیاست‌گذاری و اقدام توجه نمایند. در قلمرو اسناد بین‌المللی این اصل در مواد ۵ و ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق ۱۹۴۸ و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ شناسایی گردیده است. بر اساس آن، جایگاه و هستار انسان‌ها حتی آن‌گاه که به بزهکاری مبادرت ورزیده‌اند، باید تضمین شود. در پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ نیز، اصل مذکور از رهگذر ماده ۲ پیش‌بینی شده است. در سیاست جنایی ایران نیز «کرامت و ارزش والای انسان ...» در بند ۶ اصل دوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، به موجب ماده ۶ در سند ملی حقوق کودک و نوجوان ۱۳۹۷ دولت تکلیف یافته است تا در زمینه احترام به کرامت اطفال و نوجوانان گام بردارد. بنابراین، تضمین کرامت این دسته در شمار اصول بنیادین سیاست‌گذاری نسبت به آنان از جمله در عرصه پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری قرار گرفته است. اما، به صورت خاص این اصل در بند ۲ ماده ۲ آیین‌نامه پیش‌گفته شناسایی شده است. بر اساس آن، پلیس باید برای کنش‌گری «...در خصوص اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده ...» به «احترام به کرامت ذاتی ...» آنان مبادرت ورزد.

دومین اصل حفظ حریم خصوصی اطفال و نوجوانان و خانواده این دسته است که باید از سوی این نهاد در فرایند حمایت‌پیشگیرانه رعایت و تضمین شود. حریم خصوصی در واقع، آن عرصه از زندگی هر شخص است که وارد شدن به این پهنه صرفاً با اذن پیشین آن شخص و یا هنجار قانون‌گذار امکان‌ناپذیر است. (رحمدل، ۱۳۸۴، ۱۲۰) بنابراین، اخلاقاً و قانوناً وارد شدن به حریم خصوصی ممنوع است؛ مگر این که برای رعایت و تضمین مصلحت والای اطفال و نوجوانان و حقوق جامعه آن هم در چارچوب قانون و یا با اذن شهروندان ضروری باشد. این اصل در ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و به صورت ویژه در پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ شناسایی گردیده است. برابر ماده ۱۶ وارد شدن به حریم خصوصی اطفال و نوجوانان و یا خانواده این دسته فقط باید بر اساس قانون

انجام پذیرد. بنابراین، دولت‌ها باید سازوکارهای لازم را برای حفظ حریم خصوصی و مقابله با ناقضان این حق پیش‌بینی کنند. این تکلیف دولت‌ها از رهگذر اصول ۲۲، ۲۵ و ۳۹ قانون اساسی نیز جایگاه هنجارمندانه و بنیادین یافته است. به موجب آن، حریم خصوصی اشخاص حتی آنان که در تعقیب عدالت کیفری قرار دارند، باید حمایت شود؛ مگر آنکه به‌هنگام اقدام پلیس در وضعیت‌های خطر، وارد شدن به حریم خصوصی اطفال و نوجوانان و یا خانواده این دسته ضروری باشد. برای نمونه، می‌توان به ماده ۳۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ و اختیاراتی پیش‌بینی‌شده در آن برای پلیس (ضابطان دادگستری) اشاره کرد. مطابق آن، «... ضابطان دادگستری، به‌منظور انجام تحقیقات و اقدامات موضوع این قانون، حق ورود به محل زندگی و کار افراد را جز با اجازه متصرف قانونی و یا دستور مقام قضایی ندارند؛ مگر در خصوص اقدامات حمایتی موضوع ماده ۳۳ این قانون، که در این صورت، باید در گزارش تنظیمی موضوع این ماده، ادله ضرورت مداخله را نیز به‌روشنی ذکر کنند.» بر اساس این ماده، ضابطان دادگستری تکلیف و اختیار یافته‌اند تا برای زدایش «خطر شدید و قریب‌الوقوع»^۱ و یا کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم و در واقع، به‌منظور حمایت پیشگیرانه از اطفال و نوجوانان وارد حریم خصوصی این دسته شوند. قانون‌گذار از رهگذر ماده ۳۴ اصل را برای انجام این اقدام‌های پیشگیرانه از سوی پلیس بر ممنوع بودن وارد گردیدن به حریم خصوصی گذارده است. براین اساس، در سه شکل این اقدام را امکان‌پذیر پنداشته است. یکم، «اجازه متصرف قانونی»، دوم، «دستور مقام قضایی» و سوم، بودن «خطر شدید و قریب‌الوقوع».

^۱ گفتنی است که، این خطر برابر بند ذ ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ «وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاب نماید.»

پلیس برای حمایت پیش‌بینی‌شده در ماده ۳۳ و در واقع، آن‌گاه که «خطر شدید و قریب‌الوقوع» است، نیازی به اذن متصرف قانونی و دستور مقام قضایی ندارد. مقنن از رهگذر این ماده به ضابطان دادگستری اختیار کنش‌گری را داده است. بنابراین، تشخیص آنان در زمینه «ضرورت مداخله» مبنای وارد شدن به حریم خصوصی است. پلیس برای به‌کارگیری این وظیفه و اختیار که هستاری پیشگیرانه دارد، باید همواره به حریم خصوصی دیگران احترام گذارد و به‌صورت کمینه و تا آن اندازه که ضروری است، وارد این حریم شود. سومین اصل، همانا برابری است. در پرتو این اصل، همه انسان‌ها با یکدیگر برابرند و در واقع، نسبت به هم تفاوت ندارند. از این رو، انسان‌ها باید، از یک سو در چارچوب قانون برابر با یکدیگر پنداشته شوند و از سوی دیگر، قانون به‌صورت برابر نسبت به همگان به اجرا درآید. به‌این‌سان، همه افراد از حق‌های برابری هستارمندانه که همانا برابری در برابر قانون است و برابری رویه‌مدارانه که به‌کارگیری برابر قانون نسبت به تمام افراد آن هم بدون تفاوت‌گذاری است، برخوردار می‌باشند. (صانعی دره‌بیدی، ۱۳۸۲، ۲) این حق در مواد ۱ تا ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ شناسایی شده است. هم‌چنین، ماده ۲ پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ به آن اشاره کرده است. به‌موجب این ماده «کشورهای هموند پیمان حقوق کودک، حق‌های این دسته را باید بدون توجه به هر نوع تفاوت‌گذاری و بدون اعتنا به مؤلفه‌های نژادی، رنگ، مذهب، زبان، باورهای سیاسی، ملیت، خاستگاه‌های قوی و اجتماعی، مال، نداشتن توانایی، تولد و یا دیگر وضعیت‌های پدر، مادر و سرپرستان قانونی محترم شمرده و تضمین کنند.» بنابراین، سیاست‌گذاران و کنش‌گران در همه زمینه‌ها از جمله در عرصه پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی تکلیف یافته‌اند تا با رویکردی برابری‌مدارانه نسبت به پیش‌بینی سیاست‌ها و اقدام‌ها مبادرت ورزند. این اصل در قانون اساسی نیز شناسایی گردیده است. برابر اصول نوزدهم و بیستم، همگان از حق‌های برابر برخوردارند و نسبت به تمام

آنان باید حمایت‌های یکسان به کار گرفته شود. از این رو، پلیس به عنوان نهادی که وظیفه تأمین امنیت و پیشگیری از ارتکاب رفتارهای مجرمانه و بزه دیدگی را بر عهده دارد، باید حمایت پیشگیرانه را به صورت برابر و بدون توجه به مؤلفه‌های تفاوت‌گذار برای تمام اطفال و نوجوانان شناسایی کند.^۱ به هر رو، در چارچوب هنجارهای بنیادین همگان با یکدیگر برابرند و کارگزاران عدالت کیفری و نظام پیشگیری باید زمینه‌های دسترسی همه آنان به حق بر امنیت و پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی را به اجرا درآورند.^۲ بر همین اساس، در بند ۷ ماده ۲ آیین‌نامه مذکور «بر خورد برابر و بدون تبعیض از حیث رنگ، نژاد، مذهب، زبان، سلامت، جنسیت، قومیت، ملیت، وضعیت خانوادگی و نظایر آن» در شمار اصول ناظر به پیشگیری از بزهکاری و حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر قرار گرفته است. به این ترتیب، پلیس نسبت به این اطفال و نوجوانان باید بدون هر نوع تفاوت‌گذاری اقدام کند. برای نمونه، پلیس که مطابق بند الف ماده ۶ قانون مذکور تکلیف یافته است تا «نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز ...» مبادرت ورزد و اصل یادشده را مبنا قرار دهد.

۲. اصول جرم‌شناسانه کنش‌گری پیشگیرانه پلیس

در پهنه جرم‌شناسی گام‌هایی برای شناسایی عوامل جرم‌زا و روش‌های پیشگیرانه و یا کاهنده شمار تکرار بزهکاری و بزه‌دیدگی به کار گرفته می‌شود. در این پهنه برای اثربخش شدن اقدام‌های پیشگیرانه دسته‌ای اصول شناسایی شده‌اند. (نیازپور، ۱۴۰۲، ۶۵)

^۱ افزودنی است که، برابر ماده ۱۰ سند ملی حقوق کودک و نوجوان ۱۳۹۷، «کودکان و نوجوانان بدون لحاظ جنسیت، قومیت، موقعیت اجتماعی یا اقتصادی خود یا خانواده خویش، در برابر قانون مساوی هستند.»
^۲ گفتنی است که، مطابق ماده ۱۱ سند ملی حقوق کودک و نوجوان «۱۳۹۷» کودکان و نوجوانان از حق بر امنیت برخوردارند» و بر همین اساس، نسبت به آنان باید اقدام پیشگیرانه به کار گرفته شود.

سیاست‌گذاران جنایی نیز با توجه به اهمیت وضعیت اطفال و نوجوانان به این اصول آشکارا و ناآشکارا جنبه هنجارمندانه داده‌اند. در عرصه سیاست جنایی ایران، این اصول در ماده ۲ آیین‌نامه مذکور شناسایی شده‌اند. اصول پیش‌بینی‌شده باید به هنگام سیاست‌گذاری و اقدام پلیس برای حمایت از اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار گیرند. نخستین اصل، جامعه‌پذیرکننده بودن اقدام پیشگیرانه است. در میان شاخه‌های پیشگیری از جرم دسته‌ای بر شکل‌گیری درست شخصیت افراد و هنجارمند شدن ناظرند. گونه‌های پیشگیری فردمدارانه که همانا پیشگیری جامعه‌مدارانه و پیشگیری رشدمدارانه هستند، به این هدف توجه دارند و در راستای پروراندن درست شخصیت افراد و اجتماعی کردن این دسته گام برمی‌دارند.^۱ چه این‌که، در چارچوب این گونه‌های پیشگیری اطفال و نوجوانان به‌سوی اجتماعی‌شدن و فراگیری هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه پیش می‌روند. در پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ و هم‌چنین، رهنمودهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ۱۹۹۰، پیشگیری فردمدارانه به‌عنوان گونه برتر پیشگیری جایگاه هنجارمندانه یافته است. برای نمونه، در بخش چهارم رهنمودهای مذکور که به فرایند جامعه‌پذیری ناظر است، بر «سیاست‌های پیشگیرانه تسهیل‌کننده جامعه‌پذیری و ادغام و مشارکت موفقیت‌آمیز همه اطفال و نوجوانان ... تأکید شده است ...» در همین چارچوب، سیاست‌گذاران جنایی ایران با شناسایی اصولی، این هدف و جامعه‌پذیر ساختن اطفال و نوجوانان را در شمار تکلیف بنیادی تمام نهادهای مسئول برای حمایت از این دسته قرار داده‌اند.

^۱See: Geason, Susan and Paul, R. Wilson, Crime prevention (Theory and Practice), Australian Institute of Criminology, 1998.

در راستای این اصل، همانا باید پیشگیری فردمدارانه را به کار گرفت. این پیشگیری، زمینه‌های لازم را برای جامعه‌پذیر شدن اطفال و نوجوانان فراهم می‌آورد و در واقع، احتمال شکل‌گیری انگیزه‌های مجرمانه در این دسته را کاهش می‌دهد. به هر رو، اطفال و نوجوانان در معرض خطر و یا بزه‌کار و بزه‌دیده در فرایند رشد و جامعه‌پذیری با چالش روبه‌رو می‌شوند و اقدام‌های حمایت‌گرایانه از این دسته به ترمیم خلاءهای فرایند رشد و گرویدن آنان به سوی هنجارمندی می‌انجامد. (Sherman and Others, 1998, 7) بر همین اساس، در مواد ۱۸ و ۲۷ پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ به کارگیری اقدام‌های حمایت‌گرایانه برای رشد و توسعه و اجتماعی‌شدن اطفال و نوجوانان در شمار تکلیف‌های دولت‌ها نسبت به این دسته قرار گرفته است. بنابراین، همه نهادهای دولتی باید برای هنجارمند شدن تمام اطفال و نوجوانان از جمله آنان که در وضعیت خطر قرار دارند، اقدام‌های لازم را پیش‌بینی کنند. این اصل در ماده ۲ رهنمودهای مذکور نیز شناسایی گردیده است. به-موجب آن، به کارگیری اقدام‌های لازم برای رشد و اجتماعی‌شدن اطفال و نوجوانان و ایجاد زمینه‌های مناسب پرورش‌دهنده شخصیت و سامانه رفتاری آنان از بایسته‌های انکارناپذیر نظام پیشگیری ناظر به این افراد به شمار رفته است.

این اصل که پیشگیری فردمدارانه را بر دیگر گونه‌های پیشگیری برتر می‌پندارد، در بند ۱ ماده ۲ آیین‌نامه مذکور پیش‌بینی شده است. بر پایه آن، «تضمین بقاء، رشد، امنیت و ارتقاء سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی طفل و نوجوان» به‌عنوان نخستین اصل در منظومه سیاست‌های حمایت‌گرایانه ناظر به اطفال و نوجوانان جایگاه پیدا کرده است. از این رو، پلیس به‌هنگام بررسی وضعیت خطر و اقدام در این زمینه باید به این اصل توجه نماید. این که، اقدام‌های حمایت‌گرایانه باید برای این دسته امنیت‌آور و فراهم‌آورنده شرایط لازم رشددهنده و جامعه‌پذیرکننده باشد. از این رو، کارگزاران پلیس آن‌گاه که برای شناسایی اطفال و نوجوانان بر خوردار از وضعیت خطر و حمایت از آنان گام برمی‌دارند باید

شاخص‌های رشد و چگونگی شکل‌گیری شخصیت و تضمین سلامت و امنیت آنان را مبنا قرار دهند. به‌کارگیری این اصل همانا پلیس را به‌سمت بهره‌گیری از مجموعه‌ای از کنش‌گری‌های اجتماعی‌کننده و زدایندهٔ خلاءهای فرایند رشد و هموارکننده تربیت درست آنان رهنمون می‌سازد.

دومین اصل، توجه به والاترین مصلحت‌ها برای اطفال و نوجوانان است. در پرتو این اصل، اطفال و نوجوانان باید مدار تمام سیاست‌ها، تصمیم‌ها و اقدام‌ها باشند.^۱ بنابراین، پلیس به‌هنگام به‌کارگیری اقدام‌های پیشگیرانه بیش از همه باید به مصلحت این دسته توجه نماید. در واقع، «ابر مصلحت» همانا منفعت اطفال و نوجوانان است. در پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ به این اصل از رهگذر ماده ۳ اشاره شده است. برابر آن «در تمام اقدام‌های مربوط به اطفال که از سوی مؤسسه‌های رفاه اجتماعی عمومی و خصوصی، دادگاه‌ها، مقام‌های اجرایی یا نهادهای حقوقی انجام می‌شود، منفعت‌های اطفال از مهم‌ترین ملاحظه‌هاست.» از این رو، در فرایند سیاست‌گذاری و اقدام برای حمایت از این دسته و به‌کارگیری اقدام‌های پیشگیرانه باید این اصل، مبنا قرار گیرد در ماده ۴ نیز رهنمودهای مذکور توجه تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه به مصلحت این دسته، در در شمار سفارش‌های بین‌المللی قرار گرفته است. اصل مذکور در بند ۴ ماده ۲ آیین‌نامه مذکور شناسایی شده است. مطابق آن «اولویت مصلحت و غبطه طفل و نوجوان» در شمار بایدها برای اقدام‌های حمایت‌گرایانه نسبت به این دسته جای گرفته است. از این رو، پلیس تکلیف یافته است تا در فرایند به‌کارگیری اقدام‌های دورکننده اطفال و نوجوانان از وضعیت‌های خطر به این اصل بنیادی توجه نماید. زیرا، اقدام بر اساس مصلحت اطفال و

^۱ گفتنی است که، در ماده ۱ سند ملی حقوق کودک و نوجوان ۱۳۹۷ مصلحت و غبطه برای این دسته همانا «جلب منفعت» معنا شده است.

نوجوانان در فرایند حمایت پیشگیرانه زمینه‌های جامعه‌پذیرشدن و زدایش خلاءهای فرایند رشد آنان را فراهم می‌آورد.

سومین اصل، خانواده‌گرا بودن اقدام‌های پیشگیرانه است. بودن اطفال و نوجوانان در کنار خانواده از بنیادی‌ترین حق‌های این دسته است. چه این‌که، آنان به این محیط در این دوره زندگی بسیار وابسته‌اند و جدا ساختن این دسته از محیط مذکور چه‌بسا در فرایند رشد و هنجارمندشدن آنان، چالش‌های اساسی ایجاد کند. (هدایت، ۱۳۹۵، ۹۵) در همین چارچوب، از رهگذر مواد ۹ و ۲۰ پیمان یادشده، ماندن اطفال و نوجوانان در خانواده به‌عنوان یک اصل بنیادی و جلوه‌ای برجسته از تعهد دولت‌ها در زمینه این دسته شناسایی گردیده است. بر اساس این مواد، دولت‌های هموند این پیمان باید ماندن این افراد در محیط خانواده را تضمین کنند؛ مگر آن‌گاه که جداسازی آنان بر پایه تصمیم کارگزاران قضایی و در چارچوب قانون، به سود اطفال و نوجوانان باشد ...». این اصل در رهنمودهای مذکور نیز به‌صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته است. در بخش چهارم آن، خانواده مهم‌ترین رکن برای جامعه‌پذیر ساختن این دسته شناسایی گردیده است. در این بخش و خصوصاً از رهگذر مواد ۱۱ و ۱۲، دولت‌ها به‌سوی حمایت ویژه از خانواده که گرانیگاه پرورش افراد است، رهنمون شده‌اند. مطابق ماده ۱۷ «دولت‌ها باید برای ارتقاء همبستگی و هماهنگی خانوادگی، زمینه‌های ماندن اطفال و نوجوانان در کنار پدر و مادر را فراهم آورند؛ مگر این‌که جدا نشدن آنان، سلامت و آینده این دسته را به چالش کشاند.» به هر رو، پایداری نهاد خانواده و تأثیر گسترده آن بر شناساندن ارزش‌ها و هنجارها و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ماندن اطفال و نوجوانان در پهنه خانواده را ضروری می‌سازد. این اصل در آیین‌نامه پیش‌گفته از رهگذر ماده ۹ پیش‌بینی گردیده است. برابر آن، پلیس باید در فرایند شناسایی و حمایت اصل «اولویت حفظ طفل و نوجوان در کانون خانواده» را مبنای اقدام‌ها قرار دهد. برای مثال، می‌توان به ماده ۳۳ قانون مذکور اشاره کرد. مطابق

آن، ضابطان دادگستری صرفاً اختیار دارند «... جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم... و در موارد ضروری [اطفال و نوجوانان] را از محیط خطر...» دور نمایند.

چهارمین اصل، همانا مشارکت‌مداری است. برای پیشگیری و مقابله با رفتارهای مجرمانه استفاده از ظرفیت نهادهای جامعه‌ی در کنار نهادهای دولتی، اصل انکارناپذیری است که در سیاست جنایی سازمان ملل متحد شناسایی شده است. (جمشیدی، ۱۳۹۵، ۱۲۰) بند پ ماده ۹ رهنمودهای مذکور از جمله هنجارهای بین‌المللی است که به استفاده از سازوکارهای جامعه‌ی در زمینه پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان اشاره کرده است. اگرچه بهره‌گیری از نهادهای ساختارمند در عرصه سیاست جنایی از اصول توجه‌پذیر است، اما این اصل روی دیگری نیز دارد. این که، نهادهای ناساختارمند نیز در زمینه پیشگیری و مقابله با بزهکاری و بزه‌دیدگی به کار گرفته شوند. بر این اساس، استفاده از تمام شهروندان باید در فرایند پیشگیری و کیفری برای شناسایی شیوه‌های مناسب حمایت‌گرایانه مورد توجه قرار گیرد. در آیین‌نامه مذکور، به موجب بند ۸ ماده ۲ «مشارکت طفل و نوجوان در امور مربوط به خود و توجه به دیدگاه‌های وی» در شمار اصول ناظر به اطفال و نوجوانان در معرض خطر پیش‌بینی شده است. این اصل که به حق اطفال و نوجوانان بر شنیده شدن نیز می‌انجامد، برای پلیس بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و خواسته‌های این دسته به هنگام اقدام‌های حمایت‌گرایانه را امکان‌پذیر می‌سازد. بند ۲ ماده ۹ پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹ این اصل را به رسمیت شناخته است. مطابق آن «در هر یک از مرحله‌های دادرسی مربوط به بند ۱ این ماده، باید به تمام کنش‌گران فرصت داده شود تا در مرحله‌ها شرکت کرده و نظرهای خود را ابراز کنند.» به این سان، اطفال و نوجوانان بزه‌دیده و بزه‌کار و آنان که در آستانه این وضعیت قرار دارند، باید از سوی کارگزاران پلیس شنیده

شوند. طبیعتاً؛ این شنیده شدن اسباب به مشارکت گرفته شدن این دسته در فرایند شناسایی نوع روش‌های حمایت‌گرایانه را فراهم می‌کند. پنجمین اصل، افتراقی‌سازی شیوه‌ها و پاسخ‌ها به اطفال و نوجوانان در معرض خطر است. این دسته دارای شرایط ویژه‌ای هستند و در مرحله‌ای خاص از فرایند رشد قرار دارند. از همین رو، پلیس باید به وضعیت آنان در فرایند حمایت توجه کند. در این زمینه، ماده ۳۹ پیمان مذکور نمونه‌ای از هنجار بین‌المللی است که بر اساس آن، باید رشد و بهبود وضعیت جسمانی و روانی در تمام عرصه‌ها تضمین شود. پیش‌بینی قانون مذکور در واقع، نمادی از این اصل است که در چارچوب آن پلیس باید به ویژه‌نگری نسبت به این دسته مبادرت ورزد. بنابراین، کارگزار مذکور تکلیف یافته است تا در کنار انجام وظیفه‌های فراگیر به صورت خاص از این اطفال و نوجوانان حمایت کند.

پ) گونه‌های کنش‌گری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»
پلیس بر اساس قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ و آیین‌نامه اجرایی آن به شکل-های گونه‌گون نسبت به اطفال و نوجوانان در آستانه خطر^۱ و یا بزه‌کار و بزه‌دیده دارای تکلیف‌هایی شده است. این تکلیف‌ها بیشتر در عرصه‌های شناسایی، گزارش، حمایت و مراقبت تبلور می‌یابد. شناسایی و گزارش از مرحله‌های مهم و تأثیرگذاری چگونگی حمایت از این اطفال و نوجوانان به‌شمار می‌روند که مطابق بند ۶ ماده ۶ قانون مذکور بر عهده پلیس گذارده شده‌اند. علاوه بر این، به‌موجب بند مذکور حمایت و مراقبت از این دسته به پلیس واگذار گردیده است.

^۱گفتنی است که، مطابق بند ۳ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی «طفل و نوجوان در معرض خطر؛ طفل و نوجوانی که با توجه به ماده ۳ قانون در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار گرفته است.» هم‌چنین، بر پایه بند ۴ ماده مذکور «طفل و نوجوان بزه‌دیده؛ طفل و نوجوانی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است.»

۱. شناسایی و گزارش وضعیت اطفال و نوجوانان از سوی پلیس

۱-۱. شناسایی وضعیت اطفال و نوجوانان

در فرایند حمایت از اطفال و نوجوانان، شناسایی نخستین مرحله است و نقش توجه‌پذیری در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری و در نهایت، دور ساختن آنان از خطر است. بر اساس بند ۷ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی شناسایی «تشخیص طفل و نوجوان در معرض خطر یا بزه‌دیده، توسط مددکاران اجتماعی بهزیستی و سایر مراجع ذی‌صلاح» است. پلیس در این مرحله باید با توجه به معیارهای پیش‌بینی‌شده در ماده ۳ قانون به شناسایی اطفال و نوجوانان بر خوردار از وضعیت پرخطر مبادرت ورزد.

سیاست‌گذاران جنایی ایران، با وجود این که در ماده مذکور جلوه‌های وضعیت پرخطر برای حمایت را به رسمیت شناخته‌اند از رهگذر ماده ۲۸ آیین‌نامه روش‌های شناسایی اطفال و نوجوانان نیازمند حمایت را پیش‌بینی کرده‌اند. این شیوه‌ها دارای چهار گونه می‌باشند. گونه یکم، گزارش اطفال و نوجوانان است. به‌موجب بند ۱ ماده ۲۸ «مراجعة طفل و نوجوان به‌تنهایی یا همراه دیگری که اظهارات وی و اوضاع و احوال موجود دلالت بر وقوع وضعیت مخاطره‌آمیز یا بزه‌دیدگی داشته باشد» از روش‌های شناسایی به‌شمار رفته است. به‌این‌سان، گزارش اطفال و نوجوانان از این که بزه‌دیده یا دارای وضعیت پرخطر شده‌اند، پلیس را با این دسته آشنا می‌سازد. در چارچوب این بند پلیس باید به گزارش اطفال و نوجوانان اعتماد کرده و آن را زمینه‌ای برای ارزیابی و به‌کارگیری ساز و کارهای حمایت‌کننده قرار دهد. گونه دوم، گزارش‌های دیگران از وضعیت پرخطر اطفال و نوجوانان است. مطابق بند ۲ «معرفی طفل و نوجوان در وضعیت مخاطره‌آمیز به نیروی انتظامی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی» از دیگر روش‌های شناسایی این دسته است. بنابراین، نهادهای جامعه‌ی مانند شهروندان و یا سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌توانند با ارائه

گزارش از وضعیت آنان، اسباب شروع فرایند حمایت‌شدن را فراهم آورند. گونه سوم، مشاهده پلیس است. بر پایه بند ۳ ماده ۲۸، «مشاهده طفل و نوجوان در وضعیت مخاطره‌آمیز یا بزه‌دیده در حین انجام وظایف یا گشت‌زنی» از روش‌های شناسایی به‌شمار آمده است. پلیس در صورت مشاهده بزه‌دیدگی و قرار داشتن اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های پرخطر، باید اقدام‌های لازم را برای حمایت از این دسته انجام دهد. این سیاست پلیس را در زمینه اقدام نسبت به بزه‌دیدگی و وضعیت پرخطر مشهود دارای تکلیف کرده است و آنان نه فقط پس از مشاهده جرم و بزه‌دیدگی بلکه؛ در صورت رؤیت شدن وضعیت پرخطر نیز باید در راستای انجام تکلیف‌های پیش‌بینی شده گام بردارند. گونه چهارم، شکایت است. مطابق بند ۴ ماده مذکور «شکایت از طفل و نوجوان» از جمله روش‌های شناسایی است. از رهگذر این بند زمینه شناسایی اطفال و نوجوانان ناقض هنجارهای کیفری که به‌موجب بند ۳ ماده ۳ قانون از جلوه‌های وضعیت پرخطر است، بر عهده پلیس گذارده شده است. به هر رو، ارتکاب جرم از سوی اطفال و نوجوانان بیم‌دهنده مزمن شدن بزهکاری در این دسته است و پلیس پس از دریافت شکایت باید در راستای حمایت و آگاه ساختن نهادهای قضایی از بزهکاری آنان گام بردارد.

۱-۲. گزارش وضعیت اطفال و نوجوانان

حمایت از اطفال و نوجوانان به اقدام‌های متعددی وابسته است. پلیس نخستین نهاد است که از روی دادن بزهکاری و بزه‌دیدگی آگاه می‌شود. قاعدتاً این نهاد برای قرار گرفتن موضوع کیفری در فرایند رسیدگی و حمایت باید به گزارش وضعیت اطفال و نوجوانان مبادرت ورزد. این تکلیف پلیس از این رو که وضعیت پرخطر را به نهادهای قضایی برای شروع فرایند حمایت گزارش می‌دهد، در پیشگیری رشدمدارانه ریشه دارد.

این تکلیف پلیس پیش‌تر در ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ آشکارا پیش‌بینی گردیده است. برابر بند ب «اعلام و اخبار ضابطان دادگستری ...» در شمار سازوکارهای تعقیب قرار گرفته است. این تکلیف با توجه به ماده پیش‌گفته صرفاً ناظر به پدیده مجرمانه است و بر این اساس، پلیس در صورت بزه‌کاری و بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان باید نسبت به ارائه گزارش در این زمینه به نهادهای قضایی مبادرت ورزد. این وظیفه آن‌گاه تبلور می‌یابد که رفتاری مجرمانه در میان باشد. با وجود این و برای حمایت از اطفال و نوجوانان دادن گزارش در زمینه آستانه بزه‌کاری و بزه‌دیدگی نیز بر عهده این کارگزاران گذارده شده است. بنابراین، وظیفه پلیس دادن گزارش از رفتارهای مجرمانه و وضعیت‌های پرخطر است تا اسباب تعقیب و یا دخالت مقام‌های قضایی فراهم شود. این تکلیف در ماده ۳۳ قانون مذکور پیش‌بینی شده است. بر پایه آن، «هرگاه خطر شدید و قریب‌الوقوعی طفل و نوجوان را تهدید کند، یا به سبب وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون، وقوع جرم محتمل باشد، مددکاران اجتماعی به‌زیستی یا واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلفند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدامات لازم را در صورت امکان ... جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری، وی را از محیط خطر دور کرده ... و گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف مدت دوازده ساعت به اطلاع دادستان برسانند.» به این‌سان، پلیس پس از شناسایی جرم‌ها باید فوراً نسبت به گزارش آن به نهادهای قضایی برای تعقیب، اقدام‌های لازم را انجام دهند. اما، گزارش دادن پلیس آن‌گاه که وضعیت‌های پرخطر را شناسایی می‌کنند، باید پس از اقدام‌های آنان در زمینه زدایش خطر و یا دور ساختن اطفال و نوجوانان از محیط‌های خطر صورت گیرد.

۲. حمایت اطفال و نوجوانان از سوی پلیس

بنیادی‌ترین هدف در قانون مذکور به کارگیری سازوکارهای حمایت‌گرایانه نسبت به اطفال و نوجوانان است. پلیس بر اساس بند ب ماده ۶ قانون پیش‌گفته و به‌عنوان دومین نهاد پس از سازمان بهزیستی کشور باید در راستای حمایت از این دسته گام بردارد. به‌موجب قسمت ۱ بند ب ماده یادشده پلیس تکلیف یافته است تا نسبت به «... انجام حمایت‌های مورد نیاز بر اساس این قانون یا سایر قوانین اقدام کند.» به‌این‌سان، پلیس بعد از شناسایی وضعیت پرخطر اطفال و نوجوانان، باید افزون بر گزارش دادن یا شناساندن به سازمان بهزیستی کشور یا مراجع قضایی به حمایت از این دسته نیز مبادرت ورزد. حمایت بر اساس بند ۹ ماده ۱ آیین‌نامه مذکور شامل «مداخله و اقدامات لازم برای رفع خطر، پیشگیری از آسیب، کاهش آسیب، پیشگیری از وقوع جرم و ارائه خدمات تخصصی به طفل و نوجوان در معرض خطر یا بزه‌دیده و خانواده وی» است. نهاد مذکور پس از شناسایی اطفال و نوجوانان بر‌خوردار از وضعیت پرخطر باید برای زدایش خطر و مدیریت آسیب‌های ناظر به این دسته و هم‌چنین، پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی در راستای حمایت گام بردارد. حمایت پلیس از این اطفال و نوجوانان می‌تواند به شکل‌های گونه‌گون صورت پذیرد. شماری از این حمایت‌ها در قانون مذکور شناسایی شده است. برابر مواد ۳۳ و ۳۴ آن‌گاه که «... خطر شدید و قریب‌الوقوعی طفل و نوجوان را تهدید کند، یا به سبب وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون وقوع جرم محتمل باشد، ... ضابطان دادگستری مکلفند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدامات لازم را... جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم...» انجام دهند.

علاوه بر این، پلیس وظیفه یافته است تا «... در موارد ضروری ...» به دور ساختن این دسته از محیط خطر مبادرت ورزد. این کارگزاران باید برای زدایش خطر و دور کردن اطفال

و نوجوانان از محیط خطر به‌تنهایی یا «... در صورت امکان، با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی ...» اقدام نمایند. البته؛ قانون گذار با توجه به اهمیت به‌کارگیری سازوکارهای حمایت‌گرایانه نسبت به این دسته از رهگذر ماده ۳۴ اختیار ویژه‌ای را برای پلیس شناسایی کرده است. بر اساس آن، در صورت نبود شرایط جرم مشهود و اجازه متصرف قانونی و یا دستور مقام قضایی و وجود «... خطر شدید و قریب‌الوقوع ...» و ضروری بودن دخالت پلیس، حق وارد شدن برای پلیس به «محل زندگی و کار افراد» پیش‌بینی شده است و این دسته می‌توانند با توجه به واقعیت‌های پیش‌رو و مطابق ارزیابی وضعیت و تشخیص برآمده از آن اقدام کنند. از رهگذر فراز واپسین ماده ۳۴ آمده است که پلیس «... در این صورت باید در گزارش تنظیمی موضوع این ماده ادله ضرورت مداخله را نیز به‌روشنی ذکر کنند.»

هم‌چنین، اقدام‌های حمایت‌گرایانه‌ای در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شناسایی شده است که قاعدتاً پلیس در چارچوب وظیفه‌های فراگیر باید به انجام آن‌ها مبادرت ورزد. بر اساس ضابطه‌های پیش‌بینی شده در فصل دوم از بخش اول قانون مذکور پلیس وظیفه یافته است تا نسبت به مرتکبان رفتارهای مجرمانه و بزه‌دیدگان حمایت‌های لازم را به‌کار گیرد. افشاء ناشدن هویت بزه‌دیدگان و شناساندن حق‌های بزه‌دیدگان در زمینه استفاده از خدمات‌های حقوقی در فرایند کیفری از جمله آن‌هاست که در مواد ۳۸ و ۴۰ جایگاه هنجارمندانه یافته‌اند. البته؛ نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار اگرچه شماری سیاست‌های فراگیر در قانون مذکور پیش‌بینی گردیده است، اما برای توجه بیش‌تر به وضعیت این دسته و به‌کارگیری رویکردهای حمایت‌گرایانه نسبت به اطفال و نوجوانان برپایه ماد ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» تهیه و تدوین شده است تا از این رهگذر حمایت پیشگیرانه از سوی پلیس به‌صورت هدفمند تبلور یابد.

نتیجه‌گیری

حمایت از اطفال و نوجوانان بنیادی‌ترین هسته سیاست جنایی افتراقی ناظر به این دسته است. این حمایت برای این که اثربخش باشد، باید نسبت به ساختار و مجموعه کنش‌های نهادهای تکلیف‌دار در این زمینه تبلور یابد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ با همین رویکرد به تصویب رسیده است. در پرتو آن، برای حمایت از این دسته اقدام‌هایی بر عهده نهادهای گونه‌گون و برخورددار از ظرفیت در این زمینه گذاشته شده است. پلیس از جمله آن‌ها به‌شمار می‌رود. ایفاء نقش پلیس برای حمایت از اطفال و نوجوانان دارای بنیان‌های متعددی است.^۱ در این میان، پیشگیری رشدمدارانه از مهم‌ترین‌هاست. زیرا، بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان و در مجموع، قرار داشتن آنان در وضعیت‌های پرخطر در صورت زدوده نشدن، اسباب مزمن شدن بزهکاری در این دسته را فراهم می‌سازد. افزون بر این، حمایت از اطفال و نوجوانان در موازین حقوق بشری خصوصاً حق برخورداری از زندگی شایسته، حق برخورداری از امنیت و آموزش و پرورش و حق برخورداری از ساز و کارهای جامعه‌پذیری ریشه دارد. پلیس بر اساس قانون مذکور نه فقط نسبت به اطفال و نوجوانان آشنا با پدیده مجرمانه بلکه؛ باید نسبت به آن دسته که در آستانه بزهکاری و بزه‌دیدگی و آسیب‌پذیری جسمانی، روانی، عاطفی و اجتماعی نیز قرار دارند، اقدام‌های حمایت‌گرایانه را به‌کار گیرد. قانون‌گذار برای این که حمایت همه‌جانبه پلیس نسبت به اطفال و نوجوانان برخورددار از وضعیت پرخطر به شکل شایسته‌ای صورت پذیرد، به نهاد مذکور اختیاراتی بیش‌تری داده است. هم چنین، به تشخیص این نهاد برای به‌کارگیری اقدام حمایت‌گرایانه به شکل استثناء گونه اعتبار داده شده است.

^۱ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نیازپور، امیرحسن. (۱۴۰۳). آینده آیین دادرسی کیفری ایران پس از تصویب «لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲۶.

برای به اجرا درآمدن رویکردهای این قانون و حمایت پیشگیرانه شناسایی شده در آن، اگرچه باید گام‌های متعددی برداشت، اما به نظر می‌رسد تصویب «لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» و برپایی این پلیس افتراقی و ایجاد شبکه آموزش در زمینه آشناسدن کارگزاران پلیس با بنیان‌ها، اصول و چگونگی حمایت از این دسته می‌تواند تا اندازه زیادی در نظام مند شدن حمایت از این اطفال و نوجوانان که قاعدتاً پیامدی توجه-پذیر برای آینده سامانه رفتاری آنان و خصوصاً مزمن نشدن بزهکاری در این دسته نقش-آفرین باشد.



منابع و مآخذ

- پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶). افتراقی‌سازی دادرسی کیفری، نشر میزان، چاپ نخست.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۵). سیاست جنایی مشارکتی، نشر میزان، چاپ دوم.
- رحمدل، منصور. (۱۳۸۴). «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰.
- صانعی دره‌بیدی، منوچهر. (۱۳۸۲). برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخی آن، مجله پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۹ و ۴۰.
- صبورپور، مهدی و فائزه حق‌بین. (۱۴۰۲). «نوآوری‌ها و چالش‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پیشگیری از کودک‌آزاری»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵۳.
- صفاری، علی. (۱۳۸۰). «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴.
- عباسی، سجاد و دیگران. (۱۴۰۰). «عوامل خطر و راهکارهای حمایتی از کودکان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲۱.
- کاری‌یو، روبر. (۱۳۸۱). «مداخله روان‌شناختی اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶.
- گراهام، جان. (۱۳۸۳). «تأثیر مداخله‌های زودهنگام روان‌شناختی - اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری»، ترجمه یاسمن خواجه‌نوری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (زیرنظر). (۱۳۹۳). دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، نشر میزان، چاپ نخست.
- نوبهار، رحیم. (۱۴۰۱). اسلام و مبانی حقوق بشر، انتشارات معاصر، چاپ نخست.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۴۰۲). پیشگیری از جرم، نشر میزان، چاپ دوم.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۴۰۳). «آینده آیین دادرسی کیفری ایران پس از تصویب «لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان»»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲۶.
- هدایت، هدیه. (۱۳۹۵). آیین دادرسی ویژه کودکان بزه دیده، نشر میزان، چاپ نخست.

- Beelmann ,Andreas, and Friedrich Lösel.(2006).Child social skills training in developmental crime prevention : Effects on antisocial behavior and social competence, <https://www.psicothema.com/pdf/3260>.
- Ceccato, Vania and Abraham, Jonatan.(2022). *Crime Prevention and Safety Interventions* <https://www.researchgate.net/publication/367664987>.
- Geason, Susan and Paul, R. Wilson, (1998), *Crime prevention (Theory and Practice)*, Australian Institute of Criminology. <https://www.aic.gov.au/sites/default/files/2020-05/cptap.pdf>
- Lawrence .W, Lawrence , Gottfredson, Denise .C, MacKenzie, Doris .L, Eck, John, Reuter, Peter and Bushway, Shawn .D.(1998).*Preventing Crime: What Works, What Doesn't, What's Promising*, U.S. Department of Justice Office of Justice Programs National Institute of Justice. <https://www.ojp.gov/pdffiles/171676.pdf>
- Welsh, Brandon .C and Farrington, David .P, (2012), ***The Future of Crime Prevention: Developmental and Situational Strategies***, <https://www.ojp.gov/pdffiles1/nij/grants/237329>.